

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه نویسی بخش قرآن و تئوری تحوّل
از کتاب مسائل جدید کلامی و فلسفه دین (۳)

عبدالحسین خسروپناه

نام خلاصه کننده: سید جواد حاتمی

نام استاد راهنما: علی ایزدی

سال: پاییز ۹۴

مقدمه.....	۴
قرآن و تئوری تحوّل (۱).....	۵
پیشینه تئوری های ثبات و تحوّل انواع.....	۵
مکتب های فرضیه تکامل.....	۶
اصوال تئوری تحول و انواع.....	۶
بررسی نظریه داروین.....	۷
پیامدهای نظریه داروین.....	۹
طرح یک سوال.....	۹
داروینیسیم همچگونه تعارضی با اشرافیت انسان ندارد.....	۱۱
تعارض ارزش های اخلاقی با تئری داروین.....	۱۱
قرآن و تئوری تحوّل (۲).....	۱۲
رویکرد اندیشمندان غربی درباره آفرینش انسان.....	۱۲
دیدگاه چارلزهاج.....	۱۲
دیدگاه جمیزمکاش.....	۱۲
دیدگاه بنیاد پردازان (فاندامنتالیسم).....	۱۲
دیدگاه مذهب کاتولیک.....	۱۲
دیدگاه نهضت نو خواهی.....	۱۳
دیدگاه الهیات اعتدالی.....	۱۳
فلسفه های طبیعی تکامل.....	۱۳
رویکرد اندیشمندان اسلامی.....	۱۴

۱۴.....	دیدگاه دکتر سبحانی و مهندس بازرگان.....
۱۶.....	دیدگاه علامه طباطبائی.....
۱۸.....	دیدگاه آیت الله مصباح.....
۲۰.....	دیدگاه آیت الله مشکینی.....
۲۲.....	دیدگاه آیت الله طالقانی.....
۲۲.....	دیدگاه آیت الله سبحانی.....
۲۲.....	دیدگاه برگزیده.....
۲۳.....	فهرست منبع.....

جستوجو پیرامون نظر قرآن درباره مراحل آفرینش انسان و ارزیابی نظریات و فرضیه ها موجود در این مسئله_ مخصوصاً فرضیه های داروین و لامارک_ ازسوی دیگر مبحث مهمی با عنوان قرآن و تئوری تحول به وجود آورده، که ما در این موضوع، بخش قرآن و تئوری تحول از کتاب مسائل جدید کلامی و فلسفه دین (۳) عبدالحسین خسروپناه را خلاصه کرده ایم. در خلاصه کوشش شده از کلمات کلیدی که در بر دارنده معنای کاملی از بحث هست، استفاده شود.

قرآن و تئوری تحوّل (۱)

پیشینه تئوری های ثبات و تحوّل انواع

از نخستین مسائلی که توجه همگی را به خود جلب کرده این بوده ، که آیا انسان با تغییر تحوّل به این صورت رسیده یا از ابتدا صورت کنونی را داشته است؟

دو دیدگاه مقابل هم در این مسئله:

۱- فیکسیسم یا (نظریه ثبات انواع)

۲- ترانسفورمیسم یا (نظریه تبدل انواع)

اندیشه تطوّر در طبیعت دست کم به یونان باز می گردد

هراکلیتوس: هر چیزی داری تحوّل است

در مقابل هراکلیتوس، آنا کسیمندر معتقد بود که عنصر اولی اشیاء، جوهر بی حد، ازلی و بی زمان است؛ او اعتقاد داشت حیات از دریا سرچشمه گرفته و صور و اشکال کنونی حیوانات به سبب سازش با محیط ظاهراً شده اند.

کوریه: نظریه آفرینش را که به انثلاب عظیم در سطح زمین مشهور است، مطرح کرد.

افرادی مانند لامارک و داروین و بوفن در تبیین و توصیف نظریه تکامل جانداران حضور داشتند.

اتین ژئو فروی سنت هیلر و رابرت چمبرز در سده نوزدهم دو تطوّر گرای دیگر هستند که به تأثیر مستقیم

محیط به فرد اعتقاد داشتند.^۱

^۱ . عبدالحسین خسرو پناه مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۲۷-۳۲۸

مکتب های فرضیه تکامل

مکتب های فرضیه تکامل تحوّل انواع عبارتند از: لامارکیسم، نئو لامارکیسم، داروینیسم، نئوداروینیسم و

موتاسیون

لامارک معتقد بود: شرایط محیط استعمال و عدم استعمال اعضا، میل و اراده جانور و انتقال صفات اکتسابی، عوامل تحوّل در جانداران هستند، البته او قوانین طبیعی را خارج از مشیّت الهی نمی دانست.

نئو لامارکیسم معتقد است: به سبب تأثیر مستقیم محیط بر جانداران، تغییراتی ایجاد شده و این تغییرات اکتسابی باتوارث به نسل بعد منتقل می شود.

سومین مکتب (داروینیسم) به دست داروین تأسیس شد، نتیجه مطالعات و تفکرات وی نظریّه وی تحوّل انواع شد که بر اساس آن، تمام موجودات در اثر تکامل ه یک دیگر تبدیل می شوند و هیچ نوعی به صورت دفع آفریده نشده است.

رساله مالتوس و اندیشه های لامارک در ارائه نظریّه تحوّل از سوی داروین تأثیر به سزایی داشته اند.^۱

پیش فرض های نظریّه داروین: اصل علیّت، اصل حرکت، اصل تبدّل، اصل بقای مادی و انرژی، اصل اضمحلال، اصل ترکیب و اصل نفی در نفی.^۲

اصول تئوری تحوّل و انواع

۱. تأثیر محیط: او این اصل را از لامارک به رعایت گرفته است.

۲. تغییرات تصادفی: داروین شواهد فراوانی بر اتفاق و توارث پذیری و به ظاهر خود به خودی در میان افراد یه نوع به دست آورده بود و در منشأ و علل تنها مستوانست به حدس توسل جوید. مقصود از تغییرات تصادفی خروج از دایره علیّت نیست بلکه بخت کمی برای بروز دارند.

۳. تنازع بقاء: اگر یکی از علل نابودی موجود را از سر راهش برداریم، به زودی تعداد افراد آن افزایش خواهد یافت.

۱. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۲۹-۳۳۰

۲. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۳۰

۴. اصل انتقال صفات اکتسابی از راه وراثت: اثرات متراکم از نسلی به نسلی به طور تدریجی، انتقال و تغییر میابد.

۵. انتخاب اصلح: هر تغییری در شرایط محیطی گرایش به تغییر در موجود را بر می انگیزاند، و از طریق انتخاب طبیعی، بخت بقا و گسترش دارد.^۱

بررسی نظریه داروین

تا کنون شش اصل از مبتای از نظریه داروین بیان شد، باید گفت مخالفت های از سوی دانشمندان اروپا با این نظریه صورت گرفته است، از جمله مشکلات این نظریه بدین قرار است:

۱. هر نظریه هنگامی قابل پذیرش است که اولاً: از نظر منطقی کلی باشد و نظم مکرر و دائمی را بیان کند؛ ثانیاً: پیش بینی و تفسیر پدیده های بر وفق آن ممکن باشد و ثالثاً: نادرستس یخ قانون علمی را می توان با تجربه دریافت (ابطال پذیری).

نظریه داروین بر آن است که در مکان و زمان و اقلیم خاصی، گروهی از جانوران که که شایسته ماندن باشند، حفظ و بقیه حذف می شوند؛ وی در پاسخ به این سوال که (کدام جانور است که شایسته ماندن دارد؟) می گوید: (آن که حفظ خواهد شد) و این دور واضح است؛ چون هیچ تعریف صحیحی از شایسته ماندن ارائه نمی کند و معیاری برای شایسته و غیر شایسته به دست نمی دهد.

۲. اگر (تبدل انواع) قانون کلی است چرا برخی از جانداران، بر خلاف این قانون عمل کرده و در همین سرزمین خود به دور از قانون مزبور به همان شکل نخستین خود باقی ماندند؟

۳. اصل انتقال صفات اکتسابی به نسل های بعدی از راه وراثت، از سوی جنین شناسان ابطال شده است و تنها تغییرات موجود در سلول ها جنسی قابل انتقال به نسل های بعدی است، {به عنوان مثال پاورقی کتاب: ختنه فرزندان ذکور توسط مسلمین و یهودیان در طول قرن ها به حتی یک فرد نسل بعدی منتقل نشده است.} ^۲

۴. بر خلاف اصل (تنازع بقا)، رابطه موجودات زنده، تنها مبتنی بر جنگ و جدال نیست بلکه اشکال گوناگون همکاری، کمک و پشتیبانی هم میان آنها برقرار است.

۱. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۳۰-۳۳۲

۲. ر.ک: مطهری، توحید، ص ۲۷۳

۵. فسیل‌های مربوط به انسان‌های دومیون سال پیش، با شباهتی که به انسان داشتند، هیچ وجه شباهتی با میمون ندارند

۶. پین نود و شش نسل متوالی مگس سرکه را در مکانی کاملاً تاریک نگه داشت و با وجود سازش آنها با محیط، چشمان آخرین نسل آنها کاملاً طبیعی بود.

۷. فرضیه داروین بیشتر بر قراین ظنی مانند دیرینه‌شناسی، جنین‌شناسی و تشریح تطبیقی متکی است و امور جزئی نمی‌تواند به عنوان قانون کلی علمی مطرح شوند و صرف شباهت یا مقایسه چند جنین و عناصر حیوانات بیانگر نظریه علمی نیست.

۸. طرفداران نظریه ترانسفورمیسم تاکنون به آخرین حلقه حد فاصل میان انسان و حیوان دست نیافته‌اند تا زنجیره ادعای خود را تکمیل کنند.

۹. عنصر (انتخاب طبیعی)، هرگز توان تفسیر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، مثل (طلوع و افول تمدن‌های بشری) را نداشته است.

۱۰. نظریه داروین از تفسیر حقایق هم چون (غرایز)، (الهام)، (عقل).... عاجز است. او بر کمی بودن شعور انسانی و میمون آدم نما اصرار دارد در حالی که با اندک دقتی تفاوت کیفی مراحل رشد و یادگیری و انگیزش بین این دو موجود ظاهر می‌شود.^۱

مکتب چهارم، نئوداروینیسم است، آگوست ویسمان پایه‌گذار این مکتب، مدعی شد که انتقال صفات اکتسابی به نسل بعدی، پذیرفته نیست.

مکتب چهارم، موتاسیون دگرگونی‌های دفعی ژن‌ها، باعث تغییرات مروثی انواع می‌شود و تحول گیاهان و جانوران از این راه انجام می‌گیرد.^۲

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۳۴-۳۳۵

^۲ همان ص ۳۳۶

پیامدهای نظریه داروین

همانگونه نظریه نیوتون و تفسیر ماشین وار او از جهان خدا پرستی را به خداشناسی طبیعی (دئیسم) تبدیل کرد، نظریه تبدیل انواع نیز پیامدهای خاصی را در عرصه دین اخلاق جامعه شناسی و انسان شناسی پدید آورد. داوین زیست شناس بود؛ ولی نظریه او با تاثیر پذیری از اندیشه منطقی هگل و پایه دیالکتیک او و نیز اصول و ارکان نظریه لامارک و دیگران، تاثیر کلانی بر بسیاری از رشته های فلسفی، کلامی، اجتماعی، انسانی و طبیعی گذاشت.

۱- نظریه داروین ضربه بزرگی بر اندیشه دینی اروپا وارد ساخت؛ زیرا راه توجیه و تأویل آیات کتب آسمانی و گریز از چالش میان علم و دین را مسدود نمود.^۱

طرح یک سوال

درباره پیدایش انواع دو فرضیه وجود دارد؛ فرضیه ثبات انواع و فرضیه تبدیل انواع اکنون سخن در این است

آیا می توان گفت نظریه ثبات موافق خداشناسی و نظریه تبدیل، نافی آن است؟

برخی معتقدند نظریه داروین با (برهان اتقان صنع) که مهمترین برهان خداشناسی است، تعارض دارد.

خلاصه (برهان اتقان صنع) چنین است: جهان، نماینگر نظمی هدفمند است بنابراین باید پدیدآورنده ای طراح، هوشمند، مدبر و حکیم داشته باشد. ویلیام پیلی چنان مثال می زند که اگر شخصی در جزیره برهوتی، یک ساعت پیدا کند، حق دارد چنین بیندیشد که موجودی هوشمند آن را ساخته است.

طبق نظریه تکامل، ساختارهای ارگانیسم امروز، بر اثر فرآیندهای صرفاً طبیعی، از بطن ارگانیسم های بسیار ساده تر برآمده اند؛ بنابراین نظریه دو عامل نقش نقش مهمی را ایفا می کند (جهش) یا موتاسیون و (فراوانی جمعیت).

به گفته آیسلی: داروین (برهان اتقان صنع) را ابطال نکرده؛ بلکه فقط روایت ساعت ساز و ساعت را رد کرده است. شاید بدین جهت است که وی در قسمتی از آثارش، قوانین تکامل حیات را آفریده خدا معرفی می کند؛ اما بعضی از انواع پدید آمده از تکامل را محصول اتفاق نسته است نه طرح و تدبیر قبلی.

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۳۶

البته داروین، اتفاق را به معنای ناشناخته بودن علل و عوامل پدید آورنده می دانست و آن را نفی نمی کرد. گرچه وی با اصل (غایت مداری و هدف محوری) به شدت مخالف بود.

به هر حال برخی کوشیدند در تفسیر رابطه خدا و طبیعت، راه تکامل را پیش روی خدا نهند و عملکرد او را به طراحی و تدبیری که به تدریج گسترش می یابد، تفسیر کنند.

برخی هم به هنگام انتشار کتاب منشأ انواع چنین اظهار کردند که در جریان تحول، خدا به نام قوانین لا یتغیر از اداره جهان معاف گردیده و از کار خلقت تسکین یافته است.

نتیجه: ظهور (نظریه داروین) و ارتباط آن با خدا شناسی، اروپا را به دو بخش مخالف و موافق رودروی هم تقسیم کرد.

تئوری داروین با حکمت صنع و تدبیر خداوند در آفرینش تعارضی ندارد؛ زیرا این فرضیه توان آن را ندارند که الف: خود کفایی ماده در حرکت را ثابت کند ب: و خود قانون مندی ماده نشانه حکمت صنع است. چه نظامی بالاتر از این که که پروردگار از یک موجود تک سلولی ساده، این همه موجودات عجیب و شگفت انگیز گوناگون را ایجاد کند.

شهید مطهری با اشاره با نارسایی (تئوری تبدل) در اثبات مدّعی خود علت تلقی تعارض این تئوری با برهان اتقان صنع را ضعف دستگاه فلسفی می داند

از نظر نگارنده، (تئوری انتخاب طبیعی با اثبات وجود خدا منافاتی ندارد؛

زیرا نخست: فرضیه های علوم تجربی به طور دائم در حال تغییر و تحول اند؛

دوم: برهان اتقان صنع تنها دلیل برای اثبات وجود خدا نمی باشد

سوم: نظام آفرینش، منحصر به جانوران و گیاهان نیست، چگونه می توان با اصول داروینیسم، نظم عالم بالا را سیارات و کهکشان ها را توجیه و تبیین نمود؟

چهارم: مفهوم غایت و فینالیسم مسئله ای کاملاً فلسفی است و زیست شناسان نفیاً و اثباتاً حق اظهار نظر ندارند.

پنجم: تغییرات تصادفی، هرگز به نفی هدف و علت غایی دلالت ندارد؛ زیرا جهل بشر منشأ این ادعاست و به تعبیر علامه طباطبائی: (قول به اتفاق و تصادف، ناشی از جهل نسبت به اسباب حقیقی و نیز نسبت غایت به صاحب غایت است).^۱

داروین‌سبب هیچگونه تعارضی با اشرفیت انسان ندارد

به اعتقاد داروین تکامل انسان محصول تغییرات اتفاقی است، بنابراین حس اخلاقی انسان - یعنی متمایز انسان با موجودات بی شعور - از انتخاب طبیعی سرچشمه گرفته است

از آیات استفاده می شود انسان دو ساحت سفلی و علوی دارد، انسان در هر دو ساخت مختار است.

اگر اشرافیت انسان ارزشی یا اخلاقی باشد، به افعال اختیاری انسان بستگی دارد و اگر این اشرافیت محصول اتفاقات اتفاقی باشد آن موجود بی شعور گرفته شده از میمون با انسان دارای شعور متفاوت است.

پس فرضیه داروین هیچگونه تعارضی با اشرفیت انسان ندارد.^۲

تعارض ارزش های اخلاقی با تئوری داروین

از مشکلات تئوری داروین، به تعارض آن با (ارزش های اخلاقی) اشاره شده است: بدین ترتیب که (اصل انتخاب طبیعی) مستلزم انکار و نفی مفاهیم ارزشی مانند، محبت، عاطفه، ایثار و... می شود و در صورت اثبات اصل ترقی طبیعی انسان به حکم طبیعت او تنها به فکر خود خواهد بود و مفاهیم ارزشی، معنای خود را از دست خواهند داد.^۳

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۳۷-۲۳۹

^۲ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۴۰

^۳ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۲۳۴

قرآن و تئوری تحول (۲)

رویکرد اندیشمندان غربی درباره آفرینش انسان

دیدگاه چارلزهاج

چارلزهاج یکی از محافظه کاران آمریکای از مدرسه پرینستون است که به‌طور اعتقادی به کتاب مقدس تسلیم نظریه تکامل نشدوی بین محققان که توسط پیامبران معصوم بیان می شد با عقایدی که به نحو اتفاق مورد اعتقاد فرق می گذاشت. آنان از اخترشناسی کپرنیک دفاع می کردند؛ گرچه به زمین مرکزی اعتقاد داشتند؛ ولی چنین تعلیم نمی دادند.

چارلزهاج به دلیل تضادی که نظریه تکامل با تعلیم کتاب مقدس داشت آن را نپذیرفت.

دیدگاه جمیزمکاش

جمیزمکاش فیلسوف اسکاتلندی و رئیس دانشگاه پرینستون معتقد است خداوند نه تنها طرح اولیه کل جریان تکامل را مقرر داشته بلکه آنچه به نظر ما تحولات خود به خود می آید، به کار خود ادامه می دهد. تغییرات اتفاقی، که داروین نتوانسته آن را تبیین کند چه بسا معلول یه علت ماورای مدبر کارساز باشد.

دیدگاه بنیاد پردازان (فاندامنتالیسم)

این گروه بر خلاف محافظه کران خطا ناپذیری کتاب مقدس را به معنای ظاهری اش حمل می کردند، و اعتقاد راسخی به مرگ فدیهور مسیح علیه السلام و رجعت او داشتند، هواخواهان افراطی نه تنها به نظریه تکامل بلکه به طور کلی به علوم جدید و آموزش جدید حمله می کردند و آن را مادی والحادی می دانستند.

دیدگاه مذهب کاتولیک

نص گرایان کاتولیک به ظاهر کتاب متکی بودن و به همین دلیل نظریه تکامل را نمی پذیرفتن اما کاتولیک های تأویل گرا با تأمل و حزم بیشتری به با این مسئله مواجه شدند، این عده حقایق و حیانی را تنها نهفته در کتاب مقدس نمی دانستند و تفسیر مجتهدانه کلیسا را هم، بخشی از این حقایق می شمردند، برای کتاب مقدس سطوح مختلفی قتل بودند، اجازه تأویل آیات را به می دادند، کتاب مقدس به دو قسمت تقسیم شد

نخست: عقاید رسمی و اصلی

دوم: آراء و عقاید غیر رسمی که حاوی عقاید علمی نادرست نویسندگان کتاب مقدس بود.

دیدگاه نهضت نو خواهی

به عقیده این گروه کتاب مقدس نوشته دست بشر است نه وحی خدا بر انسان یعنی: سرگذشت سلوک بشر و کوشش او در طلب خداوند و سیر تکامل آرمان ها او را به چنین نگرشی رسانده. به عقیده اینان کتاب مقدس بیهک کتاب الهام یافته نیست هرچند که الهام بخش است، ایم گره دغدغه تضاد بین علم و دین را نداشتن زیرا خداگرای و خداشناسی برای اینها مهم بود نه اعتقاد به کتاب مقدس.

دیدگاه الهیات اعتدالی

شلایرماخر این نظریه را ارائه کرد که: مبنای دیانت نه تعالیم و حیانی است نه عقل معرفت آموز این عقیده تجربه دینی را مبنای توجیه عقاید دینی می داند. این گرایش معلول پژوهش های مربوط به کتاب مقدس است که محققان را بر آن داشت که عهد عتیق را مجموعه ای از چندین روایت و متعلق به زمان های مختلف بدانند و عهد جدید را صرفاً سیر مسیح علیه السلام که بیش از نیم قرن بعد از تصلیب او نوشته شده بی انگارند. اولویت بخشیدن به اخلاق و ارزش های اخلاقی یکی دیگر از جریان های مؤثر در پیدایش الهیات اعتدالی بود با این بیان دیدگاه الهیات اعتدالی روشن می گردد که برداشت اعتدالی از کتاب مقدس به موافقت بی قید و شرط با شواهد علمی تکامل میدان می دهد؛ ولی به مسایل بنیادی نمی رسد چون در احوالات قلبی جست و جو می کردند؛ نه در الهیات عقلی یا نقلی.

فلسفه های طبیعی تکامل

گروه های که تا کنون مورد بررسی قرار گرفتن به نوعی طرفدار خداشناسی دینی و عقلی بودند. و تاحدی اندیشه نجات کتاب مقدس را داشتن؛ اما در مغرب زمین تفسیر ها دیگری هم پدیدار شد، که به تخطئه خداشناسی دینی می پرداخت؛ برای نمونه:

داروین از اعتقاد مبهم به قدرت متعالی در زمان نگارش کتاب منشأ انواع به لادگرایی و بی تفاوتی در قبال مسائل دینی سیر می کرد.

هاکسلی با در افتادن با برهان اتقان صنع انسان را محصول نیروی بی هدف دانست.

هربرت اسپنسر لادگریت کامل اندیشه را در ترکیب یک نظام جامعه به کار برد

فردریک نیچه ارزش های اخلاقی را زیر و رو کرد.^۱

رویکرد اندیشمندان اسلامی

متفکران و مفسران و روشنفکران اسلامی در سده اخیر در مقابل تئوری تکامل متفاوتی داشته اند

در رابطه با تئوری تکامل با آیات قرآن چند سوال مطرح است

۱- آیا می توان نظریه ترانسفورمیسم ر با آیات مربوط به پیدایش انسان منطبق کرد؟

۲- آیا انسان دارای خلقت اشتقاقی است؟

۳- آیا قرآن دلالتی به استقلال انسان از جانداران دیگر دارد؟

۴- آیا قرآن خلقت مستقل انسان را دریافته است؟

پاسخ های اجمالی

عده ای قائلند بعضی از آیات ظهور در خلقت اشتقاقی دارند

عده ای خلاف، و قائل به خلقت استقلالی هستند.

عده های قدم های احتیاط آمیزی برداشته اند هر دو ظهور را در آیات در یافته اند یا لااقل خلاف داروین را

برداشت نکرده اند یا زبان علم را جدای زبان دین دانسته اند، به گونه ای که فلسفی و زبان شناختی به حل

تعارض پرداخته اند.^۲

دیدگاه دکتر سبحانی و مهندس بازرگان

دکتر سبحانی و به تبع آن مهندس بازرگان بر آنند که آیات مربوط به پیدایش انسان تعارض با نظریه تکامل

ندارد، بلکه اسلام با پیشرفت های علمی هماهنگی دارد.

سبحانی در مقدمه کتاب خلقت می نویسد: فلسفه مادی از نظریه داروین استفاده نامناسب کرده واز آن، انکار

وجود خالق را بنیاد نهاده است و موجب عکس العمل اللهیون شده است، تا آنجا که که اصل نظریه داروین کفر

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۴۷-۳۵۰

^۲ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۵۰

آمیز تلقی شد. این مخالفت ها در مملکت اسلامی سرریز شد و با ورود مسئله تغییر تدریجی انواع مخالفت ان با اعتقادات دینی جلوگر شد، در حال که در قران مسئله خلقت تدریجی موجودات را ، به عنوان یکی از نوامیس مسلّمه آفرینش یاد شده است. و با انکار این مسئله مهر باطله را بر حقانیت دین خود می زنیم.

مؤلف در بخش دوم کتاب خود سه سوال مطرح می کند.

الف) آیا مفهوم "انسان" و آدم در قران یکی است؟

ب) آیا از نظر قرآن انسان خلقت جداگانه دارد؟

ج) خلقت آدم با چه مقدمه ای صورت گرفت؟

چکیده دیدگاه ایشان:

۱- نظریه ترانسفورمیسم از سوی بعضی از علمای اسلام اظهار شده است.

۲- خلقت خاص انسان از افسانه های جعلی تورات است و میان مفسران شایع شد.

۳- نباید نظام اسلام را به خرافات حمل کنیم در حالی که قرآن تنها کتاب تحریف نشده است.

۴- مسئله تغییر تدریجی هیچ اختلافی با قرآن ندارد.

۵- در قرآن لفظ انسان به طور عام ذکر شده و لفظ آدم اسم خاص استعمال شده آیه ۳۵ سوره بقره: (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ)

۶- آیه ۳۳ سوره آل عمران (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) خداوند آدم را از بین هموعان خود برگزیده است، پس آدم خلقت استقلالی نداشته است

۷- در هیچ جای قرآن اینکه آدم اولین فرد از انسان بوده تصریح نشده و آیاتی است که آدم یکی از افراد انسان بوده است و پس از وی می زیسته

۸- آیه ۱۱ سوره اعراف: (وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ)

الف) معنای کلمه خَلَقَ ایجاد و تشکیل شیء از شیء دیگر است، که قبلاً وجود داشته است، و آیه ۷ سوره سجده (بَدَأَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ) صریحاً به آفرینش تدریجی اشاره دارد.

ب) کلمه ثُمَّ دلالت به تقدیم و تأخر دارد، پس شکل یافتن انسان مدت ها پس از خلقت اولیه صورت گرفته، پس از خلقت اولیه از گل و طی مراتب گذشته به شکل هیکل و صورت درآمد.

پ) آیات سی تا ۳۶ سوره بقره، نیز می توان دریافت که آدم پس از مرحله شکل گیری مور تعلیم خداوند قرار گرفته و نسل را دارای تمییز و اختیار گردانید.

۹- آیات قرآن به صراحت بیان گر این نکته اند که انسان بلافاصله از گل پدید نیامده بلکه به امر حکمت آمیز الهی، اولین موجود زنده از گل پدید آمده و سپس حیات سلسله موجودات به تکامل سیر کرد تا آنکه به انسان رسیده است آیه ۱۴ سوره نوح (وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً).^۱

دیدگاه علامه طباطبایی

۱- دیدگاه علامه طباطبایی مسئله خلقت انسان را جزء ضروریات دین نمی شمارد، ولی برای آیات قرآن ظهور نزدیک به نص قائل است. و از این ظهور خلقت مستقل انسان را استفاده می کند.

۲- ایشان از ذیل آیه ۷ سوره سجده: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ) مراد از انسان فرد آدمیان نیست، بلکه مراد نوع آدمی است، یعنی همه افراد انسان از فردی به دنیا آمده اند که او را از گل خلق شده است.

آیه ۸ سوره سجده: (ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ) منظور از مبدأ آفرینش انسان، همان فردی است که از گل آفریده شوه است، نه فرد فرد انسان ها.

۳- صاحب تفسیر شریف المیزان درباره پیدایش انسان اولی می نویسد: آیات کریمه ظهور نزدیک به صراحت دارند. در این که بشر امروزی از طریق تناسل زن و مرد معینی منتهی می شود. که نام آن مرد آدم است و این دو اولین بشر هستند که از هیچ پدر و مادری متولد نشده اند. بلکه از خاک گل و زمین شده اند، البته آیات قرآنی بیان نکرده اند که چگونه آدم از زمین آفریده شده است و این آفرینش دفعی بود، یا تدریجی و در زمان طولانی.

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۵۱-۳۵۴

۴- روشن ترین آیه درباره خلقت آدم آیه ۵۹ سوره آل عمران است یعنی همانگونه آدم بدون اینکه پدری داشته باشد، از خاک یا زمین آفریده شد و مسیحیان آن را پسر خدا نمی شمارند عیسی سلام الله علیه نیز بدون پدر آفریده شده و نباید پسر خدا شمرده شود. اگر مراد از خاک، منتهی شدن خلقت آدم به خاک باشد، دیگر تفاوتی بین آدم و حیوانات نیست. آنها نیز نهایتاً به زمین خاک منتهی می شوند، و دیگر آدم، خصوصیتی ندارد تا عیسی که پدر ندارد با آن مقایسه شود. در نتیجه آیه شریفه بی معنا بوده. و در مقام احتجاج علیه نصارا قابل طرح نیست. پس با این بیان روشن می شود که تمام آیاتی که از خلقت آدم از خاک یا گل و مانند اینها خبر می دهند همه به مدعای ما یعنی: خلقت دفعی و استقلالی آدم دلالت دارند.

۴- این فرضیه که نسل بشر به یک یا چند جفت انسان منتهی می شود این جفت ها از یک نوع حیوان دیگر جدا شده اند که آن حیوان از سایر حیوانات به مرز انسانیت نزدیک تر بوده (مانند میمون) با آیات قرآن سازگار نیست. آیات صراحت دارد مبدأ پیدایش انسان یک جفت بوده و آنها نیز از هیچ جانداري متولد نشده اند؛ در ضمن دلیل علمی ارائه شده نیز از اثبات ادعا ناتوان است.

۵- فرضیه دیگر نسل حاضر به یک جفت انسان بر می گردد که آن حقیقت خود در سیر تکامل موجودات، در ظاهر انسان بود که بعد ها بخاطر حکم تنازع بقاء منقرض شده این فرضیه با آیات ناسازگار است و فرضیه بیش نیست، دلایل آن بسیار ناتوان است.

دلیل: جنین های یافت شد در حفريات که صفات موجود در اعضای آنها با انواع دیگر حیوانات به تدریج تکامل یافته و پیچیده تر شده

این دلیل قانع کننده نیست: زیرا صرف پیدایش نو کامل از حیث تجهیزات بعد از نوع ناقص در زمان طولانی فقط دلالت بر سیر تکاملی ماده برای قبول صورت های مختلف حیوانی، به تدریج و آهسته بوده است. ولی به انشعاب موجودات و حیوانات کامل از حیوانات ناقص دلالت ندارد، شواهدی به انتقال و تبدل از صفتی به صفتی دیگر اشاره دارد، اما در تبدل نوعی به نوعی دیگر ناتوان است.

۶- استدلال به آیه ۳۳ آل عمران: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ)؛ اصْطَفَى زمانى صحیح است که فرد در میان جماعت باشد.

پاسخ: الف) ادعا کننده از کلمه عالمین که الف و لام دارد واقعه عموم میکند غفلت کرده، یعنی بر عام ها که بر تمام بشر تا روز قیامت صادق است. یعنی به معاصران و آیندگان آن را برگزیده است.

ب) به فرض بپذیریم؛ شاید آدم در میان فرزندان خود به مقام اصطفاء رسیده است.

۷-آیه ۱۱سوره اعراف (وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ) "ثُمَّ" در جای استعمال می شود که بین ما قبل و مابعدش فاصله زمانی باشد و در این آیه بین تصویر و خلقت کلمه ثُمَّ فاصله شده است.

پاسخ: این استدلال صحیح نیست زیرا ثُمَّ همه جا به تأخیر زمانی افاده ندارد. و در بسیاری به ترتیب دلالت دارد، آیات ۷، ۸، ۹سوره سجده: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸) ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۹)) آیه اول بشر از خاک آیه سوم صورتگری و نفخ روح آدم بین این دو مرحله کلمه ثُمَّ ودلالت به فاصله زمانی قابل توجهی دارد که همان تطور تدریجی است

مؤلفان تفسیر نمونه ثُمَّ را به معنای ترتیب همراه با فاصله گرفته اند و هرگز دلیل به گذشت میلیون ها سال نیست.^۱

دیدگاه آیت الله مصباح

ایشان فرضیه تئوری تحول را در حد احتمال می پذیرد، ذولی در برخی از آیات قرآینی است که این احتمال را دفع می کند .

آیه ۵۹سور آل عمران: (إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

مسئله اول: مسیحیان می گفتند عیسی پدر ندارد و پدر آن خدا است آیه فوق برای پاسخ نازل شد. اگر فرض کنیم حضرت آدم از نسل میانگینی خاک و انسان است. این استدلال قرآن نمی تواند تام باشد زیرا نصاری نجران می توانستند بگویند، حضرت آدم از نطفه حیوانی به وجود آمده است. برای تمامیت این استدلال باید بپذیریم ، حضرت آدم از نسل هیچ موجود دیگری به وجود نیامده.

مسئله دوم: آیه ۷و۸سوره سجده (بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸))

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۵۵-۳۵۹

۱- برخی گفته اند قرآن تصریح ندارد که آدم پدر همه انسان ها است. بلکه کوجودی به نام آدم معرفی شد که به همه انسان ها برتری دارد. واز میان اسان های انسان های دیگر انتخاب شده است پس می توان گفت ابوالبشر از اسرائیلیات است

۲- میگویند کلمه اصْطَفَى در آیه ۳۳ آل عمران: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) دلالت دارد که انسان های هم در آن موقع بودند که او برگزیده شده است.

۳- گزینش نوح و ابراهیم و آدم دلالت دارد گزینش او مانند گزینش نوح و ابراهیم در بین انسان ها بوده است پاسخ: آیه قرآن دلالت دارد که آدم همسرش پدر و مادر انسان ها هستند.

آیه ۷ سوره آل عمران: (يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ) ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.

شاید لفظ ابوالبشر در آیه نیامده باشد ولی محتوای آن دلالت دارد .

ولی درمورد شبهه کلمه اصْطَفَى باید گفت: آیا خداوند بخواهد انسانی را به انسانی برتری دهد. حتماً باید انسانی قبل آن یا همزمان آن باشد؟

یک) خداود محیط بر زمان و مکان است و آدم را بر همه انسان ها ترجیح داد.

دو) در عصر آم فرزندان او هم زندگی می کردند خداوند او را از میان آنها برگزید.

مسئله سوم: آیه ۱۱ سوره اعراف: (وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا) برخی می گویند ثُمَّ دلالت به تراخی دارد پس قبل از آدم انسان های بوده اند

در پاسخ می گوئیم: اولاً به فرض دلالت اینکه دلالت بر انسان ها قبل آدم بکند، هیچ دلالتی ندارد که آدم از آنها افریده شده است.

ثانیاً ثُمَّ همه جا به معنای تراخی زمان نیست، مانند ثُمَّ در آیه ۱۷ سوره بلد (ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ) این بر این دلالت نمی کند که ایمان باید مؤخر باشد ویا اگر ایمان به اطعام یتیم مقدم باشد، پس قبول نیست.

اگر ثَمَّ دلالت به تراخی زمانی باشد اول خدا باید همه انسان ها را آفریده باشد و سپس خود آدم را بیافریند.^۱

دیدگاه آیت الله مشکینی

راه حل دیگری در این زمینه، تعارض میان آیات خلقت انسان با تئوری داروین وجود دارد

چکیده دیدگاه ایشان:

الف) دلالت آیات به پیدایش انسان به نوع انسان: آیات آفرینش آدم که مبدأ آن خاک، آب، گل و... می داند در مقام پیدایش چگونگی انسان ست نه فرد معین آدم

ب) سازش تئوری تحول با خداشناسی: دیدگاه تکامل نه تنها با انکار وجود خدا و صانع دلالتی ندارد، بلکه به وجود آفریدگاری دانا دلالت دارد، آیه ۲۲ سوره روم (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْأَنَافِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ) و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه‌هایی است برای عالمان!

میان تئوری تحول و تبدل انواع و تغییر افراد تفاوتی نیست.

ج) عدم تعارض آیات قرآن با تئوری تکامل: در قرآن آیه متضاد تئوری تکامل نیامده.

د) روش تفسیر آیات قرآن: محقق باید ابتدا باید را خالی خالی کند و بعد به سخن کتاب خدا را بشنود.

ه) نسبت قرائن و معرفت قرآنی با اندیشه های علمی در قرآن هرگز چیزی که مخالف عقل و منطق و قطعیت علمی از طریق مشاهد و تجربه باشد، وجود ندارد و اگر موضوعی با این روش به ثبات رسیده باشد، قرآن موافق آن است و متضاد آن نیست.^۲

مسئله دوم

مجموعه آیاتی که برای رد و قبول آراء و عقاید مختلف مورد استدلال قرار دارد پنج گروه است:

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۵۹-۳۶۱

^۲ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۶۲-۳۶۴

گروه نخست: آیاتی که از آنها برای اثبات عقید تکامل استفاده می شود آیه ۱۱ سوره اعراف: (وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ) ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود»

گروه دوم: آیاتی که آدم را اولین انسان و حوَّاراً دومین انسان و سایر افراد از نسل آنها به وجود آمده اند، برای اثبات خلقت مستقل آیه ۹۸ سوره انعام: (وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) او کسی است که شما را از یک نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند، تشریح نمودیم!

گروه سوم: آیاتی که نمی توان هیچ یک دو عقیده را به تنهای از آن پرداخت کرد و نیز می توان این آیات را به هر یک از آن دو حمل کرد.

گروه چهارم: آیاتی که بیانگر چگونگی خلقت افراد و سیر تکامل هر فرد انسانی در آفرینش، قطع نظر از منشأ خلقت انواع انسانی هستند. آیه ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ سوره مؤمنون: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴))

و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ (۱۲) سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [رحم] قرار دادیم؛ (۱۳) سپس نطفه را بصورت علقه [خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشانیدیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (۱۴)

گروه پنجم: آیاتی هستند که درباره مسائل مربوط به آدم غیر از مسئله چگونگی خلقت او می گویند: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)) (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا!» آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به

فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است، ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایق را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» (۳۰)^۱

دیدگاه ایت الله طالقانی

اصل نظریه تکامل را می‌پذیرد و به آیات انطباق می‌دهد و هم انطباق تئوری داروین بر آیات قرآن را نمی‌پذیرد.

مرحوم ایت الله طالقانی اصل نظریه تکامل را به صراحت و اشارات از قرآن استنباط می‌کند و می‌فرماید: قرآن برای زمین تحولات نه گانه را یاد آوری میکند: دوره تکوین و جدا شدن زمین؛ دوره گسترش و آمادگی زمین؛ پدید آمدن عناصر اولیه؛ پدید آمدن آب؛ روییدن گیاهان؛ آفرینش حیوانات اولیه چرنده؛ پای گرفتن کوه‌ها؛ آفریده شدن حیوانات راقی و سربر آوردن انسان.^۲

دیدگاه آیت الله سبحانی

آیت الله سبحانی هیچ یک از تعارض‌های چهارگانه رانمی‌پذیرد و تعارض میان تئوری داروین با ظهور آیات را حل می‌کند

- روایات اسلامی آدم، ابوالبشر را در روی زمین نمی‌داند قبل از او انسان‌های بوده است ولی منقرض شده ولی در عین حال انسان‌های کنونی ارتباطی با انسان‌های پیشین ندارند.

دوم: عدم آگاهی درست از فرق نص و ظواهر اشتباهاتی را در پی دارد. ظواهر هر کلامی حجت است تا موقعی که دلیل قطعی خلاف آن نیاید و پس از قطعیت دلیل مخالف حجیت خود را از دست می‌دهد. به خلاف نص که هیچ گاه پذیرای دگرگونی نیست.^۳

دیدگاه برگزیده

به نظر نگارنده، آیات (قرآن) بر اصل نظریه تکامل تدریجی دلالت دارد؛ ولی این که تبدل انواع از قرآن استفاده می‌شود یا خیر؟، نیاز به تحقیقات زبان‌شناختی و هرمونتیک دارد. حق مطلب آن است که هر دو طایفه با پیش فرض

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۶۴-۳۶۷

^۲ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۶۷-۳۶۸

^۳ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۶۹-۳۷۰

خاصی به سراغ قرآن رفته اند؛ زیرا اولاً و بذات قرآن در صدد بیان نظریه زیست شناختی نبوده است تا مثبت یا نافی تبدل انواع باشد. تنها دلالت (قرآن) بر آفرینش نوع انسان از آدم و حوا و خلقت آدم علیه السلام از خاک است؛ اما در این که مرحله خاک تا آدم چه مرحله طی شده، قرآن ساکت مانده است همانگونه که در میان (نطفه) و (علقه) یا (مضغه) اظهار نکرده است.^۱

فهرست منبع

- خسروپناه، عبدالحسین، کتاب مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳، چ ۲، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳ ش.

^۱ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ ص ۳۷۰